

مروری بر فعالیتهای کتابخانه ملی*

فرامرز سعودی
رئیس مرکز خدمات فنی کتابخانه ملی





انگیزه نوشتن این مقاله اعلام بخشی از وضعیت کتابخانه ملی ایران برای تدوین برنامه‌های آتی بوده است. به همین دلیل برنارسیبهای این کتابخانه بیشتر تأکید شده است. ولاً تلاش و سازندگی مجموعه مدیران، کارشناسان و کارکنان آن در طول سالیان دور و نزدیک بر کسی پوشیده نیست. از سوی دیگر، به دلیل اشتغال نگارنده در معاونت خدمات فنی و عمومی کتابخانه ملی ایران طبعاً فعالیتهای این معاونت بیشتر ملاحظه نظر بوده است.

اساسنامه جدید کتابخانه ملی مصوب مجلس شورای اسلامی، کتابخانه را مکلف می‌سازد تا کلیه مواد چاپی و غیرچاپی انتشار یافته در ایران را گردآوری و حفظ کند.

گرفت. در ادامه به اجمال به جنبه‌هایی از عقب‌ماندگی کتابخانه ملی ایران در حوزه‌های مختلف اشاره خواهد شد.

گردآوری:

اگرچه از همان ابتدای تأسیس کتابخانه ملی و حتی پیش از آن، یعنی زمانی که کتابخانه ملی به نام کتابخانه معارف و کتابخانه دارالفنون فعالیت داشت، یکی از وظایف اصلی آن گردآوری کتب و نشریات ایرانی و غیر ایرانی در نظر گرفته شده بود، لیکن در طول مدت بیش از یک قرن از حیات این کتابخانه، منابع گردآوری شده در مقایسه با حجم منابع منتشر شده، بسیار اندک و نارساست. با اینکه سابقه جمع‌آوری منابع در کتابخانه ملی ایران در مقایسه با کتابخانه‌های مشابه در سایر کشورهای دنیا، سابقه کمی نیست، لیکن مرتبه کتابخانه ملی ایران از لحاظ مقدار منابع موجود از کتابخانه‌های مشابه پایین‌تر است. (جدول ۱) مجموعه کتابهای کتابخانه ملی ایران به همه زبانها حدود ۳۲۰,۰۰۰ جلد است که این مقدار ۱/۱۲ مجموعه کتابخانه روسیه و ۱/۸۶ مجموعه کتابخانه کنگره آمریکا است. در مقایسه با کشورهای آسیایی، مجموعه کتابخانه ملی ایران ۵ بار کمتر از متوسط مجموعه کتابخانه‌های ملی آسیا و در مقایسه با کشورهای اروپایی، ۱۶ بار کمتر از متوسط مجموعه کتابخانه‌های ملی آنهاست. کتابخانه‌های ملی کشورهای قزاقستان، اندونزی، مالزی، سنگاپور، تایلند، ترکیه، الجزایر، مصر و نیجریه منابع

کتابخانه ملی امروز ایران در اصل همان کتابخانه دارالفنون (تأسیس ۱۲۴۰ش) و کتابخانه معارف (تأسیس ۱۲۹۸ش) است که از سال ۱۳۱۶ رسماً به نام کتابخانه ملی ایران به فعالیت خود ادامه داد. بنابراین قدمت کتابخانه ملی ایران به ۱۳۰ سال بالغ می‌شود.

در این مدت طولانی وظایف و اساسنامه‌هایی برای این کتابخانه به تصویب رسیده است که آخرین آنها اساسنامه مصوب مجلس شورای اسلامی در آبان ماه سال ۱۳۶۹ است و در حال حاضر همین اساسنامه مبنای فعالیت و وظایف کتابخانه ملی ایران است.

اساسنامه جدید کتابخانه ملی، شش حوزه فعالیت اصلی برای آن تعیین کرده است. این حوزه‌ها عبارتند از گردآوری، سازماندهی و اشاعه اطلاعات و پژوهش، آموزش و انتشارات در حوزه‌های کتابداری، اطلاع‌رسانی و حوزه‌های مرتبط. مطابق این اساسنامه، کتابخانه ملی به عنوان کتابخانه مادر در کشور شناخته شده و نقش اصلی در انجام امور مربوط به کتابداری و اطلاع‌رسانی به آن سپرده شده است.

برنامه‌های آتی کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان بر دو پایه استوار کرد:

نخست جبران عقب‌ماندگیهای کتابخانه و رساندن آن به حد کتابخانه ملی واقعی در شأن نظام جمهوری اسلامی ایران و متناسب با ویژگیها و شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران و کشورهای هم‌ردیف. دوم آماده کردن کتابخانه ملی ایران برای برداشتن گامهای اساسی به سوی رشد و توسعه مجموعه کشور و مرتفع نمودن نیازهای آینده و نسلهای بعدی. در برنامه ریزی برای جبران عقب‌ماندگیهای کتابخانه ملی، شناخت این عقب‌ماندگیها شرط لازم است و برای شناخت جنبه‌های عقب‌ماندگی نگاهی اجمالی به عملکرد آن ضروری است.

برونده کتابخانه ملی ایران به عنوان معظم‌ترین کتابخانه ایران، آغاز نسبتاً خوب و ادامه‌ای کم و بیش نامطلوب دارد و امید است از این پس با توجه بیشتر به آن بتوان ادامه‌ای بهتر برای آن در نظر

کتابخانه ملی نه تنها پیشتاز جریان سازماندهی در ایران

نگریدید بلکه سرانجام با ۲۰ سال تأخیر دنباله روبرخی

نهادهای ذریبط در ایران گردید.

حداقل اطلاعات و مشخصات آنها را بتواند تهیه و گردآوری نماید، تا بدینوسیله قادر به پاسخگویی و راهنمایی محققان و مراجعان داخلی و خارجی بوده و نقش خود را در تحقیق و پژوهش به نحو صحیح و مؤثر ایفا کند.

سازماندهی اطلاعات و منابع اطلاعاتی

یکی از وظایف مهم کتابخانه‌های ملی دنیا، از جمله کتابخانه ملی ایران، تدوین و اجرای فهرست‌نویسی و رده‌بندی منابع اطلاعاتی، تدوین کتابشناسیهای ملی و موضوعی و فهرس منابع مختلف و تهیه استانداردهای لازم به منظور هماهنگی و یکدست کردن فهرس کتابخانه‌هاست. در اساسنامه‌های پیشین و اساسنامه جدید کتابخانه ملی نیز این وظیفه تصریح و برآن تأکید شده است. بنابراین انتظار می‌رفته است که کتابخانه ملی ایران کانونی برای مطالعه و بررسی انواع رده‌بندیها و شیوه‌های ضبط اطلاعات بوده و با توجه به ویژگیهای ملی، زبانی، دینی و فرهنگی ایران شیوه‌های مناسب فهرست‌نویسی و رده‌بندی را تدوین و ارائه کرده کتابخانه‌های کشور را از این لحاظ راهنمایی و هماهنگ سازد. گذری بر تاریخچه تحولات و شیوه‌های فهرست‌نویسی، رده‌بندی و فنون کتابشناسی در ایران نشان می‌دهد که کتابخانه ملی در این میان نقشی انفعالی داشته است.

سنت فهرست‌نویسی، طبقه‌بندی و کتابشناسی در جهان اسلام سابقه‌ای طولانی دارد. فهرسی نظیر فهرست ابن ندیم در قرن چهارم هجری و پس از آن کتابشناسیهایی مانند *کشف الظنون* و *الذریعه* همواره مراجع معتبری برای جهانیان بوده است. طبقه‌بندیهای ارائه شده از سوی اندیشمندان ایرانی و اسلامی همچون فارابی غزالی، ابن خلدون و دیگران نیز در طول تاریخ همواره مبنا و راهنمای بسیاری از دانشمندان دنیا بوده است.

در سده‌های اخیر، به ویژه در قرن بیستم، شیوه‌های جدیدی برای رده‌بندی و فهرست‌نویسی در دنیا عرضه شد که عمدتاً از سوی محافل و مجامع کتابداری غرب بوده است. کتابخانه ملی که در بدو تأسیس و حتی پیش از آن (۱۳۰۲ شمسی به نام کتابخانه معارف) امر فهرست‌نویسی و رده‌بندی را از وظایف اصلی خود می‌دانست، در سالهای بعد در مقابل این یافته‌های جدید علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی موضعی منفعل و بی‌تفاوت اتخاذ کرد و به همان شیوه‌های سنتی بسنده نمود. در سالهای بعد دانشگاه تهران تدریس این شیوه‌ها را در دروس کتابداری خود گنجانید و مرکز

بیشتری نسبت به کتابخانه ملی ایران دارا هستند (آمارهای برگرفته از سالنامه آماری یونسکو، پاریس، ۱۹۸۹ و ۱۹۹۱ و گزارش رئیس کتابخانه ملی قزاقستان در بازدید از کتابخانه ملی ایران، بهار ۱۳۷۱). فقر منابع کتابخانه ملی ایران را به طور کلی می‌توان ناشی از عوامل زیر دانست:

۱. سطح نازل تولید آثار فکری و فرهنگی و کتاب و نشریه در ایران؛
۲. عدم اجرای صحیح قانون واسپاری نسخی از کتابها، نشریات و سایر منابع انتشار یافته در ایران به کتابخانه ملی؛
۳. عدم اختصاص بودجه مناسب؛
۴. قوانین و مقررات اداری حاکم بر خریدهای داخلی و خارجی؛
۵. کمبود فضای کافی جهت حفظ و نگهداری متون و مدارک.

اساسنامه جدید کتابخانه ملی مصوب مجلس شورای اسلامی، کتابخانه را مکلف می‌سازد تا کلیه مواد چاپی و غیرچاپی انتشار یافته در ایران را گردآوری و حفظ کند. این منابع شامل کتاب، نشریه، جزوه، گزارش، سند و مدرک، پوستر و آگهی، انواع فیلمهای سینمایی و تلویزیونی، عکس، اسلاید، نوار و صفحات صوتی، رساله و پایان‌نامه و مانند آن است. بندهای دیگر اساسنامه حکایت از وظیفه کتابخانه ملی در جمع‌آوری آثار خارجی مربوط به ایران و اسلام دارد. طبعاً گردآوری این حجم عظیم منابع کاری بس سنگین و دشوار است و امکاناتی بسیار فراتر از آنچه تا کنون در اختیار کتابخانه ملی قرار گرفته است طلب می‌کند. لیکن حداقل انتظار می‌رود که کتابخانه ملی بتواند از میان انواع منابع، کتابهای چاپی و نشریات ادواری انتشار یافته در ایران، آثار ایرانشناسی و اسلامشناسی معتبر، آهات آثار ایرانیان خارج از کشور و آثار مرجع برتر و معتبر در حوزه‌های مختلف را جمع‌آوری کرده و در مورد سایر منابع که جمع‌آوری و تهیه آنها مقدمات بیشتری را می‌طلبد،



کتابشناسی ملی ایران که می‌بایست از سال ۱۲۹۸

تدوین شود و انتشار یابد نخستین بار در سال ۱۳۴۳

یعنی با ۴۵ سال تأخیر انتشار یافت.

خدمات کتابداری از سال ۱۳۴۷ عملاً به فهرست‌نویسی ورده‌بندی کتب با شیوه‌های جدید پرداخت. به تدریج کتابخانه‌های ایران از طریق آموزش‌های دانشگاه تهران و مرکز خدمات کتابداری این شیوه‌ها را به کار گرفتند. کتابخانه ملی تا سال ۱۳۶۲ از به‌کارگیری شیوه‌های جدید پرهیز کرد، اما هیچ دلیلی برای این پرهیز خود بیان نکرد و با توجه به رواج و ابداع این شیوه‌ها در کشورهای دیگر خصوصاً کشورهای غربی هنگام تأسیس کتابخانه ملی در ایران، کتابخانه ملی نزدیک به ۴۶ سال در مقابل این شیوه‌ها سکوت اختیار کرد. سرانجام هنگامی که در سال ۱۳۶۲ با ادغام مرکز خدمات کتابداری در کتابخانه ملی، ورده‌بندی‌های کنگره و دیویی به کتابخانه ملی ایران راه یافت، این کتابخانه ناگهان با حجم انبوه کتابهای فهرست نشده که در مدتی نزدیک به ۱۳۰ سال گرد آمده بود مواجه گشت. و به این ترتیب کتابخانه ملی نه تنها پیش‌تاز جریان سازماندهی در ایران نگردید بلکه سرانجام با ۲۰ سال تأخیر دنباله‌رو برخی نهادهای ذریع در ایران گردید.

انتظار می‌رفت پس از پذیرش شیوه‌های جدید در کتابخانه ملی، این کتابخانه کار سازماندهی را در دو بعد جاری و گذشته به انجام رساند، یعنی هر ساله ضمن سازماندهی منابع جدید الورد، بخشی از منابع پیشین را نیز سازماندهی کند تا به تدریج و پس از چند سال مجموعه کتابخانه سازمان یابد و کار فهرست‌نویسی به روز برسد. لیکن متأسفانه عکس این جریان اتفاق افتاد. بدین معنی که هر ساله بخشی از منابع جدید الورد به صورت فهرست نشده باقی ماند و به این ترتیب، به جای اینکه هر سال از مقدار مجموعه فهرست نشده کاسته شود به آن افزوده شد، به گونه‌ای که در حال حاضر بیش از ۲/۳ مجموعه کتابخانه به صورت فهرست نشده باقی مانده است.

در خصوص سازماندهی منابع غیرکتابی و غیرچاپی وضع از این هم بدتر است، به طوری که می‌توان گفت در این حوزه تقریباً هیچ کاری انجام نشده است.

در حوزه استانداردسازی فهرست‌نویسی و طبقه‌بندی و نیز انطباق ورده‌بندی‌های غربی با اختصاصات ملی، مذهبی و فرهنگی ایران، چند اقدام انجام شده همانهایی است که در مرکز خدمات کتابداری و قبل از ادغام این مرکز صورت گرفته و پس از ادغام این مرکز در کتابخانه ملی، چیزی به آنها افزوده نشده و حتی تداوم و ویرایش همان مقدار نیز توسط کتابخانه ملی با دشواری روبرو گردیده است. در حوزه ماشینی کردن فهرس کتابخانه‌ها که در ایران از دهه

۱۳۵۰ آغاز شده بود نیز اگرچه انتظار می‌رفت کتابخانه ملی ایران موضعگیری مناسبی داشته باشد و جریان کامپیوتری کردن کتابخانه‌ها را مورد مطالعه و بررسی قرار دهد و هدایتگر کتابخانه‌ها در این خصوص باشد، همان موضع انفعالی رخ نمود و در این مدت بسیاری از مراکز اطلاعاتی و کتابخانه‌ها -درست یا غلط- کامپیوتر را در فعالیتهای خود وارد کردند. کتابخانه ملی با زمانی حدود ۲۰ سال تأخیر نسبت به کتابخانه‌های ایران و زمانی طولانی‌تر نسبت به ورود کامپیوتر در عرصه جهانی، سرانجام در سال ۱۳۷۰ نخستین تجربه خود را در این زمینه آغاز کرد. هم‌اکنون نیز جریان کامپیوتری کردن فهرس کتابخانه با مشکلات و دشواریهای جدی روبروست.

ارائه و اشاعه اطلاعات

ارائه و اشاعه اطلاعات فعالیت تفکیک‌ناپذیر هر کتابخانه‌ای است و چنین انتظاری از کتابخانه ملی که کتابخانه مادر یک کشور است بیش از کتابخانه‌های دیگر و متفاوت با آنهاست. چنین وظیفه‌ای از اولین اساتامه تصویب شده کتابخانه ملی تا آخرین آن، همواره جزو وظایف اصلی آن قلمداد شده است. در این خصوص کتابخانه ملی نه تنها مرجع محققان و سازمانها و مراجعان داخلی است بلکه در چشم کشورهای دیگر دنیا نیز این کتابخانه مرجع پاسخگویی به سؤالات محسوب می‌شود. درخواستهای دریافت شده از اقصی نقاط جهان و سازمانهای بین‌المللی که در آرشیو کتابخانه موجود است، اثبات‌کننده این مدعا است.

حوزه اطلاع‌رسانی به مقدار زیادی متکی و مرتبط با حوزه‌های گردآوری و سازماندهی منابع است. وقتی کتابخانه ملی مجموعه درخوری را جمع‌آوری نکرده باشد و همین مقدار اندک منابع را نیز بدرستی سازمان نداده باشد طبیعی است که نمی‌توان انتظار ارائه خدمات اطلاعاتی مناسب و شایسته‌ای را داشت. علی‌رغم قدمت زیاد کتابخانه ملی، در طول این مدت سازمانهای دیگری در ایران پا گرفتند و هریک بخشی از فعالیتهایی را که می‌بایست توسط کتابخانه ملی انجام گیرد، به اشکال مختلف دنبال کردند و عجیب اینکه این سازمانها برای چنین فعالیتهایی بودجه‌های مناسبی را دریافت می‌کردند که کتابخانه ملی از دریافت آنها محروم بوده است. در ادامه به بعضی از این فعالیتها اشاره می‌شود:

تدوین و انتشار کتابشناسیها

با وجود آنکه وظیفه تدوین و انتشار کتابشناسیهای عمومی و تخصصی همواره از وظایف مهم کتابخانه ملی بوده است لیکن کتابخانه ملی عملاً قادر نبوده است این مهم را به نحوی درخور به انجام رساند. کتابشناسی ملی ایران که می‌بایست از سال ۱۲۹۸ تدوین شود و انتشار یابد نخستین بار در سال ۱۳۴۳ یعنی با ۴۵ سال تأخیر انتشار یافت، که آن هم حاوی مشخصات کتابهای سال ۱۳۴۲ بود. این تأخیر تا زمان حال نیز ادامه دارد و کتابشناسی ملی

ارائه و اشاعه اطلاعات فعالیت تفکیک‌ناپذیر هر کتابخانه‌ای است.

حفاظت از منابع

در حالیکه بسیاری از کتابخانه‌های ملی و معظم دنیا و ایران از تکنولوژیها و شیوه‌های نوینی برای حفاظت منابع خود از سرقت و آسیب‌دیدگی استفاده می‌کنند و اکنون این شیوه‌ها و تکنولوژیها استفاده عام یافته و حتی کتابخانه‌های معمولی از آنها غافل نیستند، کتابخانه ملی ایران علی‌رغم قدمت زیاد و داشتن منابع ارزشمند و نفیس و نیز به عنوان کتابخانه حافظ میراث فرهنگی کشور متأسفانه از داشتن حداقل امکانات محروم است و در این خصوص از کتابخانه‌های ایران به مراتب پایین‌تر است، چه رسد به کتابخانه‌های معتبر دنیا.

پژوهش، تحقیق، انتشارات

تا پیش از ادغام مرکز خدمات کتابداری در کتابخانه ملی، امر پژوهش و تحقیق عمدتاً منحصر به تدوین کتابشناسی‌های توصیفی بوده است. به طوریکه از سال ۱۳۱۳ تا سال ۱۳۵۷ یعنی در طول ۴۴ سال غیر از تدوین کتابشناسیها، تنها ۴ اثر تحقیقی انجام و منتشر شده است. یعنی به طور متوسط هر ۱۱ سال یک اثر.

در سالهای اخیر و پس از ادغام مرکز خدمات کتابداری، امر پژوهش‌ها و انتشارات این مرکز به کتابخانه ملی انتقال یافت که از آن میان برخی ویرایش و منتشر شدند. در همین سالها انتشار «فصلنامه کتاب» در دستور کار قرار گرفت که تاکنون انتشار آن اگرچه با تأخیر و مشکلات ادامه یافته است.

مجموعه تحقیقات و انتشارات انجام شده با همه اوصاف به هیچ وجه با مسائل مطرح در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی و حوزه‌های وابسته متناسب نبوده است. فعالیتهای انجام شده در این حوزه‌ها توسط نهادها، محققان و سازمانهای مختلف دیگر اثبات‌کننده این مدعا است. اساسنامه جدید کتابخانه نیز بر انجام امور پژوهشی در کتابخانه ملی تأکید ورزیده است.

آموزش

از سال ۱۳۴۳، کتابخانه ملی به منظور بالا بردن دانش کتابداران کتابخانه‌های عمومی کشور، مؤسسات دولتی و خصوصی، اقدام به تشکیل کلاسهای حین خدمت به صورت دوره‌های یکماهه کرد. این دوره‌ها اگرچه کوتاه‌مدت و فشرده بوده‌اند، در آشنایی کتابداران با امور مربوط تأثیر فراوان داشتند. متأسفانه برگزاری این کلاسها دچار وقفه و تعطیلی‌های موقت شده

ایران به طور متوسط همواره ۳ سال از زمان عقب بوده است. در حال حاضر کتابخانه ملی ۹ کتابشناسی معوقه دارد و این در حالی است که کتابشناسیهای معوقه قبل از سال ۱۳۴۲ به حساب نیامده‌اند.

ارائه عکس، تصویر، میکروفیش و میکروفیلم از منابع

کتابخانه‌های ملی دنیا با عرضه تصاویر منابع خود به اشکال گوناگون خدمات اطلاعاتی مفیدی را ارائه می‌کنند و از این راه درآمدهایی را نیز نصیب خود کرده‌اند نام کتابخانه‌های خود را نزد ملل دیگر اعتلا می‌بخشند. کتابخانه ملی ایران علی‌رغم داشتن منابع ارزشمند و بعضاً منحصر به فرد، در زمینه ارائه این گونه خدمات تقریباً صفر است. درخواستهای فراوان از کشورهای مختلف دنیا و مؤسسات پژوهشی داخلی اغلب بلاجواب می‌مانند.

تجهیزات و امکانات تهیه نسخه عکسی، میکروفیش و میکروفیلم تاکنون در خدمات این کتابخانه جایی نداشته است. خدمات از این نوع محدود به تهیه فتوکپی و زیراکس بوده که آمارهای آن نسبت به بعضی از کتابخانه‌های ایران ۱/۱۰۰ است (مقایسه آمار کتابخانه ملی با کتابخانه مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی یک نمونه است).

فهرستگان ایران

یکی از وظایف معوقه کتابخانه ملی در ارائه و اشاعه خدمات اطلاعاتی انجام طرح فهرستگان ایران است که خود مقدمه و پیش‌نیازی است برای شبکه اطلاع‌رسانی منطقه‌ای و بین‌المللی در اساننامه جدید کتابخانه ملی نیز این مهم در نظر گرفته شده است و علی‌رغم طرح ضرورت آن در سالهای ۵۰-۱۳۴۰ در ایران، متأسفانه کتابخانه ملی تاکنون موفق به اجرای آن نشده است. در گذشته تجربه‌ای در مرکز خدمات کتابداری به عمل آمد که پس از ادغام این مرکز در کتابخانه ملی این تجربه معوق ماند. طبق این طرح بایستی کتابخانه ملی ایران فهرستی از منابع موجود در کتابخانه‌های کشور را تهیه کند تا بواسطه آن محققان داخلی و خارجی بتوانند از وجود منابع مورد نیاز خود در کتابخانه‌های ایران مطلع شوند. در کنار این طرح، طرح امانت بین کتابخانه‌ها نیز به صورت یک وظیفه معوق باقی مانده است.

خدمات ویژه

بسیاری از کتابخانه‌های ملی، بخش مهمی را اختصاص به ارائه خدمات به اقشار ویژه جامعه از قبیل نایبانیان، ناشنوایان، معلولان و غیره داده‌اند. کتابخانه ملی تاکنون توفیق ارائه خدمات به این اقشار را نیافته است. همچنین از وظایف کتابخانه ملی ایران که در اساسنامه اخیر نیز بر آن تأکید شده کتابخانه سیار است. در سال ۱۳۴۳ واحد سیار کتابخانه ملی آغاز به کار کرد که فعالیت چشمگیر و مؤثری نیز داشت. در حال حاضر این واحد تعطیل است.



جدول ۱. آمار وضعیت برخی از کتابخانه‌های ملی دنیا*

ردیف	نام کشور	سال اخذ آمار	مراکز ارائه خدمات	مجموعه		توضیحات
				تعداد جلد به هزار	زیربنای قفسه‌ها متر	
۱	الجزایر	۱۹۸۶	۱	۱۰۴۰	۳۸۱۸۰	
۲	بوتسوانا	۱۹۸۴	۱۸	۳۳۷	—	به مثابه کتابخانه عمومی
۳	مصر	۱۹۸۳	۱۱	۱۳۴۳	—	
۴	اتیوپی	۱۹۸۶	۱۰	۱۰۰	—	نیز هست
۵	نیجریه	۱۹۸۹	۱۵	۵۵۸	۱۷۱۲۱۰	
۶	تانزانیا	۱۹۸۳	۵	۱۵۳	۱۸۰۰	
۷	کانادا	۱۹۸۹	—	۷۲۰۰	—	
۸	کاستاریکا	۱۹۸۶	۱	۷	۹۲	
۹	کوبا	۱۹۸۹	۱	۲۴۳۱	—	
۱۰	مکزیک	۱۹۸۹	—	۱۵۰۰	—	
۱۱	آرژانتین	۱۹۸۶	۱	۱۸۰۰	—	
۱۲	برزیل	۱۹۸۵	۱	۱۹۹۳	—	
۱۳	شیلی	۱۹۸۹	۲	۳۵۱۴	—	
۱۴	پرو	۱۹۸۶	—	۴۰۱۶	—	
۱۵	ونزوئلا	۱۹۸۹	۳	۱۹۷۵	—	افزوده شامل نسخ خطی
۱۶	چین	۱۹۸۹	—	۱۳۷۶۸	۲۹۰۰۰۰	نیز هست
۱۷	هندوستان	۱۹۸۶	۱۱	۱۸۹۳	۵۱۴۸۸	
۱۸	ایران	۱۹۸۹	۳	۳۰۰	—	
۱۹	ژاپن	۱۹۸۷	۳	۴۸۹۷	—	
۲۰	اردن	۱۹۸۶	۱	۴۰	—	
۲۱	جمهوری کره	۱۹۸۸	—	۲۱۰۲	—	
۲۲	کویت	۱۹۸۶	۴	۹۳	—	
۲۳	مالزی	۱۹۸۹	۹	۷۰۳	—	
۲۴	پاکستان	۱۹۸۳	۲	۱۲۶	۳۰۲۵	
۲۵	سنگاپور	۱۹۸۷	۱۸	۲۶۷۲	—	۸۱۱ به مثابه کتابخانه عمومی نیز هست
۲۶	جمهوری عربی سوریه	۱۹۸۹	—	۷۲۷	—	
۲۷	تایلند	۱۹۸۹	۲۴	۳۳۹۰	—	
۲۸	ترکیه	۱۹۸۹	۱	۱۰۱۶	۴۵۴۰۲	
۲۹	آلبانی	۱۹۸۶	—	۸۸۳	۱۷۰۴۹	
۳۰	اطریش	۱۹۸۳	۱	۲۴۳۵	۵۸۱۷۷	
۳۱	بلغارستان	۱۹۸۹	—	۲۱۶۱	—	
۳۲	چکسلواکی	۱۹۸۹	—	۲۶۹۶۲	—	۱۵ افزوده شامل نسخ خطی میکرو فسیل و بصری نیز هست
۳۳	دانمارک	۱۹۸۹	۴	۳۳۴۸	۸۱۲۳۸	
۳۴	فنلاند	۱۹۸۶	—	۲۵۶۳	۷۲۷۶۰	
۳۵	آلمان شرقی سابق	۱۹۸۶	—	۱۰۹۱۱	—	
۳۶	آلمان غربی سابق	۱۹۸۹	—	۱۷۳۳۹	—	
۳۷	یونان	۱۹۸۹	۱	۲۵۰۰	۳۲۰۰۰	
۳۸	مجارستان	۱۹۸۶	۴	۲۵۲۵	—	
۳۹	ایرلند	۱۹۸۶	۲	۸۰۸	۱۴۵۳۰	
۴۰	ایتالیا	۱۹۸۹	۲	۵۴۰۲	۱۸۲۲۲۶	
۴۱	هند	۱۹۸۹	—	۲۲۹۴	۵۹۱۰۰	
۴۲	نروژ	۱۹۸۹	۲	۲۰۳۰	۶۱۸۱۳	
۴۳	لهستان	۱۹۸۹	۱	۲۱۷۶	—	
۴۴	پرتغال	۱۹۸۹	۱	۲۲۲۰	۴۲۲۰۲	
۴۵	رومانی	۱۹۸۷	—	۱۴۴۴۱	—	
۴۶	اسپانیا	۱۹۸۶	۹	۲۴۲۷	—	
۴۷	سوئد	۱۹۸۶	۴	۲۹۲۸	۸۳۶۰۰	
۴۸	سوئیس	۱۹۸۶	۱	۱۳۰۰	۳۷۰۰۰	
۴۹	انگلستان	۱۹۸۹	۱۵۶	۲۵۰۰	۶۷۰۰۰۰	شامل اسکاتلند نیست
۵۰	یوگسلاوی	۱۹۸۹	۸	۱۲۳۱۶	۳۰۳۵۵۵	
۵۱	استرالیا	۱۹۸۶	۱	۲۴۳۹	—	
۵۲	ژلاندنو	۱۹۸۴	۳۳	۵۳۳۵	—	
۵۳	اتحاد جماهیر شوروی، روسیا ایستی	۱۹۸۷	۱	۳۶۶۱۵	—	شامل امانت گیرندگان و خودنگاران

* این آمارها از آمارنامه سالانه بوتسوانا، ۱۹۹۲ استخراج شده است.

است. در اساسنامه جدید کتابخانه ملی روی انجام آموزشها تأکید شده است و هم‌اینک کتابخانه ملی در آستانه پذیرش دانشجوی برای دوره‌های کاردانی و کارشناسی است که امکانات و مقدمات لازم را طلب می‌کند.

ساختمان وفضا

مشکل کمبود فضا تقریباً مشکل عمومی همه کتابخانه‌های ملی و معظم دنیا است. علت عمده مشکل ساختمان در این کتابخانه‌ها، حجم زیاد انتشارات و تولید اطلاعات است که کتابخانه‌ها را به دلیل گردآوری آنها دچار مشکل می‌سازد. تفاوت کتابخانه ملی با کتابخانه‌های دیگر در وظیفه و تکلیف کتابخانه ملی است. طبق قوانین، کتابخانه‌های ملی موظف به جمع‌آوری و نگهداری کلیه انتشارات کشور هستند و چنین وظیفه‌ای برای هیچ کتابخانه‌ای غیر از کتابخانه ملی نیست. بنابراین کتابخانه‌های ملی گریزی از دریافت و جمع‌آوری منابع ندارند. به همین دلیل کمبود فضای کتابخانه ملی در واقع نقض عملی قوانین مصوب است.

مشکل کمبود فضا و ساختمان مناسب برای کتابخانه ملی ایران که از لحاظ حجم منابع در رده‌های پایینی نسبت به کتابخانه‌های ملی سایر کشورها قرار دارد قابل توجیه نیست.

تنها ساختمان کتابخانه ملی در طول ۵۵ سال قدمت آن ساختمانی است واقع در جنب موزه ایران باستان در خیابان ۳۰ تیر که به درخواست علی اصغر حکمت وزیر فرهنگ وقت و موافقت رضاخان برای کتابخانه در نظر گرفته شد. زمانی که کتابخانه ملی در این ساختمان مستقر گردید، مجموعه آن کمتر ۲۰,۰۰۰ جلد بود و این ساختمان گنجایش ۴۰,۰۰۰ جلد کتاب را داشته است. این ساختمان که در زمان خود از زیباترین ساختمانهای تهران بوده و توسط آندره گدار طراحی شده است ۴۰۰۰ متر مربع فضا و حدود ۵۰۰ متر زیربنا داشته است.

از همان سال ۱۳۱۶ یعنی سال تأسیس کتابخانه ملی واحداث ساختمان آن، کمبود فضای لازم احساس شد. گواه این مدعا نامه‌هایی است که رئیس وقت کتابخانه، دکتر بیانی، به مناسبت‌های مختلف نوشته است.

در سالهای ۱۳۳۵-۱۳۴۰ ساختمانی به این ساختمان ضمیمه شد که حدود ۵۷۰ متر مربع زیربنا دارد و با توجه به دو طبقه بودن آن، مساحت زیربنا به حدود ۱۱۴۰ متر مربع می‌رسد و چون ساختمان ضمیمه قرینه ساختمان اصلی است مساحت کل آن به حدود ۲,۲۸۰ متر مربع می‌رسد. در این سالها حجم منابع کتابخانه تقریباً به ۳ برابر رسیده بود و فضای ساختمان در همین مدت به ۲ برابر افزایش یافت. اما از آن پس و تا سال ۱۳۶۶ که حجم منابع تقریباً به ۴ برابر افزایش یافت، فضایی به ساختمان کتابخانه اضافه نشد و تمامی بار ۴ برابر شده به همین ساختمان تحمیل گردید؛ به صورتی که این ساختمان زیبا که جزو آثار فرهنگی محسوب

می‌شود دچار ترک خوردگی شده و در معرض سقوط قرار گرفته است.

در سال ۱۳۶۶ بخشی از ساختمان مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی در نیاوران، به صورت موقت در اختیار کتابخانه ملی قرار گرفت که قسمتی از مخازن و اموری فنی و پژوهشی به آنجا منتقل گردید. این ساختمان عاریه‌ای نیز نتوانست جوابگوی حجم منابع موجود و فعالیت‌های کتابخانه باشد و مشکل کمبود فضا به طور جدی باقی ماند.

ساختمان کتابخانه ملی ایران ۱/۵ برابر کوچکتر از حد متوسط کتابخانه‌های ملی کشورهای افریقایی، ۵/۵ برابر کوچکتر از آمریکا لاتین، ۹ برابر کوچکتر از آسیا و ۱۴ برابر کوچکتر از اروپا است (آمارهای برگرفته از سالنامه آماری یونسکو، پاریس، ۱۹۸۹، ۱۹۹۱)

حجم منابع موجود کتابخانه در همین حد فعلی با حداقل فاصله ۱ متر بین راهروهای قفسه‌های مخزن، به فضایی معادل ۵,۰۰۰ متر مربع نیاز دارد و حال آنکه مجموع فضای مخازن کتابخانه در حال حاضر حدود ۲۰۰۰ متر مربع است و این کمبود موجب شده است که بسیاری از کتابها و منابع به صورت بسته‌بندی در کارتن نگهداری شود.

کمبود فضای کتابخانه همچنین لطمات جدی به فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی، فنی و خدماتی کتابخانه وارد کرده است و بخشهایی را در آستانه تعطیل قرار داده است.

خلاصه

کتابداری و اطلاع‌رسانی در جهان امروز پیشرفت فراوان کرده است و امروز اطلاعات مساوی با قدرت است. جامعه ایران مدتهاست به اهمیت روزافزون اطلاعات، منابع اطلاعات و اطلاع‌رسانی توجه پیدا کرده است و نیازهای جدیدی در این حوزه طرح شده است. کتابخانه ملی ایران به عنوان معظم‌ترین کتابخانه کشور و با وظایف سنگین، تاکنون نتوانسته است آن‌گونه که شایسته ایران و نظام جمهوری اسلامی ایران است نقش خود را در توسعه فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی ایفا کند. در برنامه پنج ساله دوم بایستی کتابخانه ملی را برای ایفای نقش خود و مواجهه با مسائل و نیازهای ایران امروز و ایران فردا آماده کند و آن را به جایگاه واقعی خود ارتقاء دهد.

توضیحات:

• در تدوین این مقاله بیش از همه از کتاب تاریخچه کتابخانه ملی ایران، تحقیق آقای جکناجی استفاده شده است. ضمناً سرکار خانم فائزه خاجویی و جناب آقای محمدحسن رجیبی نیز نگارنده را یاریهای ارزنده کرده‌اند که جای سپاس فراوان دارد.